

دکتر آرمین امینی^۱ - محمد بشیری آذر^۲

چکیدہ:

دهه ۱۹۹۰ و پس از آن مصادف با انقلاب اطلاعات و تفوق یافتن فناوری اطلاعات در زندگی انسان‌ها بوده است. در این دوره که شاهد استفاده گسترده از ابزار اینترنت و شبکه‌های مجازی و اجتماعی هستیم، به تدریج گردش اطلاعات در میان گروه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، تبادل افکار صورت می‌گیرد و همسویی و هم نظری بین آنان به ویژه اقشار جوان رشد بی‌سابقه‌ای می‌یابد. همین امر به گسترش مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌انجامد که نمونه بارز آن در تحولات جهان عرب طی سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۴ ظهور می‌یابد. مقاله حاضر نقش اینترنت را بر تحولات مصر مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

کلید واژه: بهار عربی، جنبش اجتماعی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، انقلاب اطلاعات، مصر.

١- مسلسل ر ، ٤٤٤٤ ٤٤ ٤٤ ٤٤ ، ٥٥٥٥٥٥٥٥٥

[illegible]

مقدمه:

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ به بعد، استفاده از اینترنت در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای توسعه یافته و تا حدودی در کشورهای در حال توسعه گسترش یافت. به دلیل تأثیرهای فزاینده اینترنت در جهان امروز از زاویه‌های گوناگون، اصلاحاتی مانند: «دهکده جهانی»، «آگاهی سیارهای» و «پایان جغرافیا» در محافل آکادمیک رواج یافته است. امروزه گفته می‌شود که سیاست بر بال رسانه‌ها حرکت می‌کند و با گسترش استفاده بازیگران جامعه مدنی در سطوح فروملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی از اینترنت و نقش آفرینی آن در تعامل‌های سیاسی، اهمیت این تلقی بیشتر آشکار می‌شود. (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۴)

در عصر حاضر در دنیای ارتباطات و اطلاعات، اتصال به شبکه جهانی اینترنت به اصلی حیاتی تبدیل شده است. استفاده از اینترنت باعث ایجاد پیوند میان سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی شده است. انقلاب‌های تکنولوژیک و ارتباطی از جمله عواملی هستند که اقتدار دولت‌ها را روز به روز ضعیف‌تر می‌کنند. انسان‌های دوران جدید به طور صرف، گیرنده و واردکننده پیام‌ها نیستند بلکه نوعی ارتباط و کنش متقابل در جریان انتقال اطلاعات و داده‌ها میان آنها وجود دارد. در این عصر، دولت‌ها نقش قالب خود را در هنجارسازی و ارزش‌سازی برای مردم خود، به دلیل وجود رسانه‌ها که آسمان کلیه کشورها را درمی‌نورند، ازدست داده‌اند. شبکه جهانی اینترنت، بارزترین نمونه این گفته است؛ زیرا درحالی که یک فرد در منزل خود نشسته، قادر است ارتباطی بسیار سریع با دیگر کاربران اینترنتی نه تنها درون کشور، بلکه در سرتا سر جهان برقرار کند. استفاده از رسانه‌ها، درون یک کشور باعث آشنایی مردم با اوضاع و زندگی دیگر مردم جهان و تقاضای استانداردهایی بهتر برای زندگی از سوی آنها نسبت به آنچه در گذشته داشته‌اند، می‌شود و همچنین جنبش‌های اجتماعی و اعتراض‌ها، سریع‌تر و در زمانی کوتاه‌تر نسبت به گذشته انجام می‌گیرند.

مصر یکی از کشورهایی است که به دلیل افزایش جمعیت جوان و تحصیل کرده، استفاده از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در آن رشد تصاعدی داشته است. در این کشور، جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی مختلفی از گذشته وجود داشته است که از شیوه حکمرانی دولت ناراضی بوده‌اند و از میان آنها می‌توان از اخوان المسلمین نام برد. در دهه اخیر، جنبش‌هایی جدید که اغلب از جوانان مصری تشکیل می‌شد، به وجود آمد، به ویژه از سال ۲۰۰۸ جنبشی به نام ۶ آوریل شکل گرفت که در این جنبش مصر اینترنت، مهمترین وسیله ارتباطی بود و آنها از این طریق، نارضایتی‌های خود را اعلام می‌کردند بر این اساس در این پژوهش، سعی بر این بوده تا نقش مهم اینترنت را با وجود دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که زمینه اعتراض‌ها را به وجود آورد، در جنبش اجتماعی اخیر مصر که موجب سرنوشتی حسنی مبارک شد، مورد بررسی قرار دهیم.

نقش اینترنت

اینترنت با وجود گستردگی و پیچیدگی‌اش، به طور کامل، برخلاف مدل یک به چند در رسانه‌های پخش همگانی قدیمی است؛ اما دارای قابلیت است که از اساس، آن را از دیگر رسانه‌های گروهی متمایز می‌کند و آن، این است که همواره دارای پتانسیلی تعاملی است و همین پتانسیل تعاملی است که زمینه تغییرهای اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌کند (دارنلی، ۱۳۸۶: ۲۷). (اینترنت دارای سایت‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و شبکه‌های آزاد مختلفی است که از جمله مهم ترین آنها عبارت‌اند از: فیس بوک و توییتر)

در سال‌های اخیر، فناوری‌های جدید ارتباطی به ویژه رسانه‌های اجتماعی اینترنتی به منابعی مهم برای بسیج اقدام جمعی و سازماندهی جنبش‌های اجتماعی در سراسر جهان تبدیل شده‌اند. جنبش‌های اخیر در خاورمیانه عربی و شمال آفریقا با بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، شکلی جدید از انقلاب، جنبش و بسیج مردمی را در این منطقه به نمایش گذاشت و مردم در این کشورها خواستار احیای حقوق خود شدند. آنچه در این جنبش‌ها پررنگ‌تر و تأثیرگذارتر از همه دیده می‌شد، رسانه‌ها و به

خصوص اینترنت و شبکه‌های اجتماعی است، زیرا از بدو شروع اعتراض‌ها نقش مهمی را در این جنبش‌ها ایفا کردند و از یک سو موجب آگاهی بخشی به مردم و ازسوی دیگر با داشتن قابلیت‌های مختلف، سبب سرعت بخشی به اعتراض‌ها و گسترش آن در سطح منطقه شدند. عقیده بر این است که شبکه‌های بزرگ رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توئیتر و وبلاگ‌های شخصی به عنوان کانال‌هایی قدرتمند ظاهر شدند که به مردم مصر در عبور از سانسور دولتی، گسترش مفاهیم اصلاحات سیاسی، بسیج شهروندان برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی به عنوان منبعی مهم برای اقدام جمعی و سازماندهی جنبش یاری رسانند.

جنبش اجتماعی

در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، هرگونه کوشش جمعی برای پیشبرد منافع مشترک یا تأمین هدف اصلی از طریق عمل جمعی خارج از حوزه نهاد رسمی است. باتامور، جنبش اجتماعی را کوشش جمعی برای پیشبرد یا مقاومت در برابر دگرگونی در جامعه‌ای که خود، بخشی از آن را تشکیل می‌دهد، تعریف می‌کند؛ همچنین بیان می‌کند که یکی از خصلت‌های جنبش‌های اجتماعی، خصلت کمتر سازمان یافته بودن آنهاست که در آن ممکن است هیچ گونه عضویت منظم یا به آسانی قابل تشخیص (هیچ گونه کارت حزبی یا حق عضویت) نباشد یا چیزی مانند دفتر یا ستاد مرکزی وجود نداشته باشد (باتامور ۱۳۷۳: ۵۶).

جنبش‌های اجتماعی، مفهومی است که اغلب برای توصیف دوره‌ای از عمل، مورد استفاده قرار می‌گیرد، (کاستلز ۲۰۰۹). جنبش‌های اجتماعی را به عنوان فرایندی از بازیگران اجتماعی با هدف تغییر فرهنگی (تغییر در ارزش‌ها) توصیف می‌کند. مانوئل کاستلز، فناوری اطلاعات و ارتباطات را به عنوان «مجموعه‌ای از فناوری‌های همگرا در میکروالکترونیک، محاسبات (ماشین‌آلات و نرم‌افزار)، ارتباطات راه دور، رادیو و تلویزیون و اپتوالکترونیک تعریف می‌کند...» در اوایل دهه ۱۹۶۰ فیلسوف آلمانی، یورگن

هابرماس، مفهومی را مطرح کرد که در انگلیسی حوزه عمومی ۱ خوانده می‌شود. به عقیده وی، جوهره مفهوم حوزه عمومی، استفاده از فضایی مشترک است که شکل‌گیری افکار عمومی در آن امکان‌پذیر باشد؛ بنابراین رسانه‌های گروهی و نیز تعامل‌های اجتماعی بین فردی از طریق اینترنت در آن می‌گنجند، (دارنلی، ۱۳۸۶: ۴۷). اینترنت براساس بیان اندرو چادویش در کتاب سیاست‌های اینترنت: دولت، شهروندان و فناوری-های ارتباطی جدید، عبارت است از: شبکه‌ای از شبکه‌های یک به یک، یک به چند، چند به چند و چند به یک محلی، ملی و جهانی فناوری اطلاعات و ارتباطات، با استانداردها و پروتکل‌های به نسبت باز و با موانع به نسبت کم برای ورود به آن. یک تماس تلفنی، نمونه‌ای از یک ارتباط رسانه‌ای یک به یک است، درحالی که پخش معمولی رسانه‌ها (مانند تلویزیون و رادیو) یک ارتباط رسانه‌ای یک به چند است.

رسانه‌های جدید اجتماعی می‌توانند عملکردی مانند یک به یک، یک به چند و مهم‌تر از همه، چند به چند به معنای ارتباطی داشته باشند.

جنبش‌های کلاسیک

از ماهیت طبقاتی یا ابزاری و وابستگی به طبقه یا گروه خاص مانند طبقه کارگر، بهره‌مند بودند، درحالی که نوع جدید آن هویت محور، جمعی و غیر وابسته به گروه است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۱۵۷) برخلاف خصلت فناوری‌های پیشرفته امروزی روزها طول می‌کشید که از پایتخت به شهرستان‌ها برسند.

جنبش‌های جدید

به شدت به رسانه، به ویژه فناوری‌های نوین ارتباطی وابسته‌اند و از آن طریق به بسیج اعتراض‌ها و مشارکت در سطح جهانی روی می‌آورند در حالی که جنبش‌های کلاسیک به رسانه‌های جمعی و ارتباطی چهره به چهره وابسته بودند.

از ویژگی بارز جنبش‌های جدید، فراخوان برای اعتراض‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی اینترنت و انتشار سریع اخبار در سطح وسیع است و درنهایت، افزایش گردش اطلاعات موجب گستردگی بیشتر جنبش‌ها می‌شود.

تاریخ جنبش‌ها و احزاب در مصر و ریشه‌های خیزش اجتماعی اخیر مصر

نخستین تجربه حزبی در مصر به سال‌های پس از ۱۹۲۲ بر می‌گردد که مصر به کشوری مستقل تبدیل شد. برقراری حکومت پادشاهی از یک سو و سلطه انگلیسی‌ها از سوی دیگر سبب شد که این تجربه چندان موفق نباشد. با کودتای افسران آزاد در سال ۱۹۵۲ و اندکی پس از آن که جمال عبدالناصر با کنار زدن ژنرال نجیب به قدرت رسید، به واسطه حاکم شدن نوعی جریان فکری سیاسی، مجالی برای رشد و فعالیت احزاب فراهم نشد و در همین نظام آمرانه بود که سازمان اخوان المسلمین به بهانه همکاری با ژنرال نجیب، رقیب ناصر و اعتراض به حکومت سکولار ناصر، سرکوب و... قانونی اعلام شد و اعضای آن بازداشت شدند.

انورسادات که بعد از سکتة قلبی ناصر، ریاست جمهوری را به عهده گرفت، ابتدا به فعالیت‌های حزبی روی خوش نشان نداد اما در ادامه، با تأسیس اتحادیه سوسیالیست عربی، وقتی ناصری‌ها را با خود همسو نیافت، به فکر تأسیس تشکلاتی دیگر افتاد تا برای سیاست‌هایش پشتیبانی بیابد که این اندیشه با اعطای آزادی نسبی به گروه‌های مخالف همراه بود؛ البته نباید از نظر دورداشت که سادات، مترصد تقویت و تحکیم احزابی بود که با دولت همسو باشد.

در سال ۱۹۷۷ به دنبال تظاهراتی که در اعتراض به افزایش قیمت‌ها در مصر برپا شد، سختگیری دولت سادات ضد احزاب نیز افزایش یافت. در ژوئن ۱۹۷۷ قانون احزاب به تصویب رسید که براساس آن، کمیته امور احزاب تشکیل شد و هر حزبی برای فعالیت باید از این کمیته مجوز می‌گرفت تا به رسمیت شناخته شود و فعالیتش جنبه قانونی داشته باشد؛ اما رشد فزاینده احزاب، موجبات نگرانی سادات را فراهم کرد و همین امر،

وی را بر آن داشت تا برای تشکیل یک حزب وابسته به دولت به تکاپو بیفتد و سرانجام حزب دموکراتیک ملی را تشکیل دهد. موضعی که احزاب ضد سیاست‌های سادات در پیش گرفتند، عاملی برای اعمال فشار دولت بر احزاب شده، فعالیت حزبی با مشکلات و موانعی روبرو شد (حسینی گلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱ و ۱۷۲)

پس از ترور سادات در سال ۱۹۸۱ و روی کار آمدن حسنی مبارک، رفتار دولت با احزاب، با فراز و نشیب‌هایی روبه رو شد. حسنی مبارک به صورت سمبلیک و نمادین در آغاز کار در مقابل اپوزیسیون، چهره‌ای مسالمت جوینانه از خود نشان داد و در صدد بود و انمود کند که به دنبال گذار تدریجی به دموکراسی است. در بخش عمده این سه دهه، حکومت وی آمیزه‌ای از اقتدارگرایی و سرکوب، تکیه بر نهادهای صوری دموکراتیک و ایجاد محدودیت‌های زیاد برای اپوزیسیون با محتوای بسیار اقتدارگرا و با دموکراسی صوری بوده و انتخابات یکی از تجلیات صوری دموکراسی در مصر بود. (سردارنیا، ۱۱۲: ۱۳۹۰).

در نیمه نخست دهه ۱۹۸۰، رژیم مبارک برای دموکرات نشان دادن رژیم خود به تعدادی احزاب و انجمن برای فعالیت مجوز داد و روزنامه‌ها آزادی عمل بیشتری یافتند. انتخابات پارلمان ۱۹۸۴ به نسبت، قابل توجهی به صورت آزاد و رقابتی تشکیل شد و میزان تقلب در آن پایین بود اما انتخابات سال ۱۹۸۷ با تقلب بیشتری برگزار شد و به همین ترتیب در سال ۱۹۹۱ تقلب افزایش یافت و بیشتر احزاب از جمله حزب «وفد» به دلیل تقلب در انتخابات در آن شرکت نکرد و آن را تحریم کردند. در انتخابات ۱۹۹۵ احزاب، ناچار شدند که مشارکت کنند ولی نتیجه همچنان به نفع حزب حاکم رقم خورد و تنها چهار کرسی به احزاب اپوزیسیون و سه کرسی به کاندیداهای غیرحزبی و مستقل رسید. تقلب آشکار در این انتخابات سبب اعتراض احزاب شد و دادگاه، انتخاب بیش از ۲۰۰ کاندیدا را غیر قانونی اعلام کرد. تقلب حزب حاکم در این انتخابات چنان زیاد بود که شاهدان مصری پیروزی ۹۵ درصدی حزب دموکراتیک ملی را بسیار شرم‌آور دانستند. انتخابات سال ۲۰۰۰ نیز به ظاهر به صورت چند حزبی و رقابتی برگزار شد؛ در مجموع،

حکومت به دلایلی از جمله احساس خطر جدی از ناحیه انتخابات (به ویژه ازسوی اسلام‌گرایان)، انتخابات را به صورت چند حزبی صوری و بدون محتوای واقعی درآورده بود.

انتخابات سال ۲۰۰۵ با مداخله حزب حاکم و با تکیه بر ارتش و نیروهای امنیتی انجام شد که در این انتخابات در مقایسه با حزب حاکم، اخوان المسلمین تنها اجازه یافت ۱۵۰ کاندیدا برای انتخابات، آن هم با عنوان مستقل و غیر حزبی معرفی کند. انتخابات سال ۲۰۱۰ با آشکارترین سطح تدابیر امنیتی و تقلب، توسط حکومت و حزب حاکم انجام شد؛ نتیجه این انتخابات، ۴۲۳ کرسی حزب دموکراتیک ملی، ۱۵ کرسی برای احزاب مخالف و ۶۶ کرسی برای کاندیداهای مستقل بود. به دنبال اعلام نتایج این انتخابات، تظاهرات گسترده احزاب مخالف در برابر دیوان عالی قضایی مصر برای ابطال نتایج صورت گرفت؛ در این تظاهرات، احزاب هر دو طیف ملی‌گرا - لیبرال و اسلام‌گرا، مانند اخوان المسلمین، وفد، جنبش الکفایه، حزب الکرام و ناصری شرکت داشتند. البرادعی که رهبر انجمن ملی برای تغییر بود از کلیه احزاب و جریانات سیاسی خواست که برای وارد آوردن ضربه نهایی به رژیم مبارک، به بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر بپردازند.

در ادبیات نظری انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی، تأکید بر این است که جنبش‌های اجتماعی و انقلاب‌ها، ریشه‌ای ساختاری و تاریخی دراز مدت یا به نسبت دراز مدتی دارند و نه ریشه صرف در نارضایتی‌های کوتاه مدت و محدود؛ ازسوی دیگر، تحلیلگران بر این نظرند که تنها با وجود شرایط نارضایتی ریشه دار، انقلاب رخ نمی‌دهد، لذا نیاز است که فرصت‌های سیاسی شتاب‌زای مساعد داخلی و خارجی ایجاد شوند که عبارت‌اند از: شکاف در نخبگان حاکم درخصوص نحوه مواجهه با اپوزیسیون، کاهش طرف‌داران رژیم به دلایل گوناگون، بحران شدید اقتصادی و تشدید بحران کارآمدی و مشروعیت رژیم به تبع آن، افشای ابعاد جدی فساد سیاسی و اقتصادی مقام‌های حکومت و وقوع انقلاب در کشورهای همسایه در شرایط مشابه با این کشور (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۲۸).

در مصر نیز چنین شرایطی ایجاد شد. جنبش اجتماعی که در تونس ضد حکومت زین العابدین بن علی به وجود آمد به مصر گسترش یافت. انقلاب تونس به عنوان عاملی محرک برای شروع جنبش در مصر که زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جنبش فراگیر اجتماعی در آن فراهم شده بود، عمل کرد.

اینترنت و جنبش اجتماعی اخیر مصر تا سقوط حسنی مبارک

شبکه دانشگاه‌های مصری و مرکز اطلاعات کابینه مصر (IDSC) برای اولین بار در سال ۱۹۹۳ به اینترنت دست یافتند؛ با این حال، عموم مردم تا سال ۱۹۹۵ به طور عام، به اینترنت دسترسی نداشتند تا اینکه در سال ۲۰۰۲، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصر طرح اینترنت رایگان را راه اندازی کرد. طرح اینترنت رایگان به هر مصری اجازه می‌داد تا با یک کامپیوتر و یک خط تلفن به اینترنت دسترسی یابد. با جمعیت تقریبی مصر در سال ۲۰۱۱ حدود ۸۰/۴ میلیون نفر ضریب نفوذ اینترنت در جامعه مصر حدود ۲۴ درصد بود که نسبت به ۵۸/۰ درصد در سال ۱۹۹۹ افزایشی قابل توجه از خود نشان میداد (www.freedomhouse.org)

اعتصاب کارگری در شهر دلتا ضد کاهش دستمزد و افزایش قیمت‌ها همراه با دیگر تحول‌های اقتصادی و سیاسی در روز ۶ آوریل ۲۰۰۸ به وقوع پیوست؛ در همین زمان بود که عبدالفتاح در حمایت از کارگران شروع کرد به تدارک دیدن گروهی فیس بوک در سال ۲۰۰۸. هرچند که زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اعتصاب از جمله افزایش تورم، سرکوب رهبران احزاب و نارضایتی گسترده مردم مصر درخصوص ساکنان محاصره شده در نوار غزه که انگیزه‌های اصلی برای اعتصاب بودند، فراهم بود، تنها با گسترش و عضویت در وب سایت‌ها اعتصاب کارگران نساجی به یک رویداد اصلی تبدیل شد؛ در واقع، رسانه‌ها اینجا نقش عاملی محرک و شتاب‌زا را در بسط اعتراض ایفا کردند. در عرض دو هفته بعد از تشکیل این گروه، بیش از ۶۰ هزار کاربر عضو شده بودند و به طور کامل حیرت‌آور بود که بعد از مدتی، تعداد اعضای این گروه به ۷۹۰ هزار نفر رسید.

این اعتصاب و اعتراض سبب شد که اولین بار در مصر شبکه‌های اجتماعی اینترنت به صورت گسترده شناخته شدند و در واقع، نمونه عینی از جنبش‌های اجتماعی بود که از طریق اینترنت سازمان‌دهی شد. وائل غنیم یکی از سازمان‌دهندگان اصلی جنبش اجتماعی مصر در فیس بوک می‌گوید: اگر شما می‌خواهید یک جامعه آزاد داشته باشید باید به آنها اینترنت بدهید؛ درواقع این جمله، نشانگر اهمیت نقش اینترنت در جنبش‌های اجتماعی اخیر در جهان عرب به خصوص مصر است. محمود هشام، نویسنده مصری نیز معتقد است که شبکه‌های اجتماعی اینترنت مانند فیس بوک، توئیتر و وبلاگ‌ها، سبب سرنگونی رژیم‌های عربی شدند که به زودی این متغیرها در جنبش‌های اعتراضی در رشته‌های علوم سیاسی آموزش داده می‌شوند. در اعتراض‌های اخیر، گروه‌های فیس بوک از کمک‌کنندگان اصلی به انقلاب بودند که ارسال اعتراض‌ها را به روزرسانی و واکنش سایت‌های خبری، سیاستمداران و رسانه‌ها را بازتاب می‌دادند.

درواقع، گروهی از فعالان جوان در فیس بوک که خواستار تظاهرات در سرتاسر کشور برای بازگرداندن کرامت انسانی، اصلاحات، آزادی و عدالت بودند، جرقه انقلاب را شعله ور کردند.

فیس بوک کمک کرد تا پیام‌هایی از وقایعی که در مصر روی می‌داد در سراسر جهان از طریق عکس و فیلم دریافت شود. عکس‌های خالد سعید در فیس بوک خشم مردم مصر را برانگیخت. مدتی کوتاه پس از آن، وائل غنیم یک صفحه فیس بوک با عنوان «ما همه خالد سعید هستیم» ایجاد کرد. صفحه فیس بوک، ۵۰۰ هزار عضو به دست آورد. همان‌طور که اعتراض‌ها ادامه می‌یافت، مردم در مصر تمایل بیشتری به فیس بوک برای دیدن فیلم‌ها، تصاویر، نظریات و بحث درخصوص انقلاب سیاسی برای دموکراسی، آزادی بیان و تغییرهای اجتماعی و اقتصادی نشان دادند که نتیجه آن، شکل‌گیری جنبشی جدید بود. جنبش جوانان ۶ آوریل که از آن زمان به بعد، نقش کلیدی سازمانی در اعتراض‌های سال ۲۰۱۱ ایفا کرد. صفحه «ما هم خالدیم» در فیس بوک: ۶۱ کلیپ تصویری، بیش از

۲۰۰ عکس، ۱۰۰ لینک وب داشت؛ این صفحه پیش از ۲۵ ژانویه حدود ۴۰۰ هزار عضو داشت که در روز ۹ فوریه به ۶۰۰ هزار نفر رسید و در ۱۴ فوریه به ۸۰۴ هزار نفر رسید.

درحالی که متوسط سن فعالان مصری استفاده کننده از فیس بوک ۲۰ سال بود، اعضای رژیم ۶۰ تا ۷۰ ساله بودند، که خود تحت تأثیر رئیس جمهوری ۸۰ ساله قرارداشتند؛ در نتیجه این شکاف نسلی و سنی، هنگامی که رژیم مبارک، متوجه قدرت و سرعت فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی و ظرفیت‌های فوق العاده آنها برای سازماندهی فعالان جنبش شدند، برای محدود و مسدودکردن فیس بوک، تویتر، خدمات پیام کوتاه و خطوط ارتباطی تلاش کرد؛ اما فعالان با استفاده از دورزدن فیلترها قادر شدند که دوباره به این شبکه‌های اجتماعی دست یابند. در بعدازظهر ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ مقام‌های مصری برای قطع کردن تمام خطوط ارتباطی در شهرهای بزرگ کوشیدند با این تصور که از جاری شدن مردم در خیابان‌ها جلوگیری کنند اما دیگر دیر شده بود و مصری‌ها در خیابان‌ها بودند و دیگر به اینترنت، نیازی نبود و در واقع، اینترنت کارکرد و نقش خود را ایفا کرده بود. میدان التحریر نقطه مرکزی اعتراض‌ها در قاهره و مسجد قائد آل ابراهیم، نقطه مرکزی اعتراض‌ها در اسکندریه شدند و همین طور در دیگر شهرهای مصر نیز نقطه مرکزی وجودداشت.

بخشی از چالش پیش رو برای مقابله با مبارک و دستگاه امنیتی وی، بسیج مردمی بود اما به دلیل سرکوب دولتی اعتراض کنندگان در طول چند دهه گذشته، نوعی بی تفاوتی در جامعه مصر نهادینه شده بود. تنها ۲۳ درصد ثبت نام کنندگان در انتخابات سال ۲۰۰۷ به پای صندوق‌ها رفتند و این ۲۳ درصد رأی خود را به حزب مبارک، اخوان المسلمین، گروه‌های کوچک و احزاب سکولار دادند.

اکثریت ۷۷ درصدی به رأی دادن تمایلی نشان نداد و بر این اساس، نسل نو فعالان سیاسی با این بی تفاوتی به رویارویی برخاستند و با بهره‌گیری از اینترنت و تلفن تلاش کردند تا با جامعه تماس برقرارکنند. در مصر در سال ۲۰۱۰، حدود ۲۲/۵ کاربر اینترنت،

۱/۳ میلیون اشتراک ADSL، ۸/۵ میلیون کاربر اینترنت تلفن همراه، ۴۶۰۰ کافی نت و ۶۵/۵ میلیون خط تلفن همراه وجود داشت؛ همچنین حدود ۱۶۲ هزار بلاگر فعال بود که بیشترشان جوان بودند و در طول عمرشان، جز مبارک رئیس جمهوری ندیده بودند. اینترنت برای این جوانان راهی تازه گشود. در سال ۲۰۰۸، گروهی با بهره‌گیری از فیس بوک توانستند ۸۲ هزار نفر را ضدگرانی مواد غذایی بسیج کنند؛ همچنین از فیس بوک برای جلب پشتیبانی از اعتصاب کارگران پارچه بافی و اعتراض‌های کارگری ۶ آوریل ۲۰۰۸ استفاده‌ای مطلوب صورت گرفت.

نتیجه‌گیری:

در این پژوهش تلاش شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که، سهم رهبران، فعالان سیاسی و مدنی و جوانان چه وابسته به جریان‌های سیاسی و چه خارج از آن، در جنبش اخیر مصر با توجه به قابلیت‌های مورد استفاده اینترنت تا چه اندازه بوده است؟ تا چه حد فعالان مصری از شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، توییتر، یوتیوب و وبلاگ‌ها به عنوان ابزارهایی برای سازماندهی و ایجاد آگاهی بسیج سیاسی در این جنبش استفاده کردند؟ بر این اساس، طی چند سال گذشته، فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله اینترنت و ابزار آن، نقشی برجسته در فعالیت‌های جنبش‌های اجتماعی ایفا کرده است. همان‌طور که گفته شد هر چند نمی‌توان دلایل اصلی خشم و نارضایتی مردم مصر نسبت به ناکارآمدی دولت را منکر شد و همچنین نمی‌توان زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی را در زمینه جنبش‌ها و انقلاب‌ها نادیده گرفت. اما آنچه ما در اینجا مورد توجه قرار دادیم، استفاده از ابزارها و فناوری‌های نوین در انقلاب‌های مدرن است که می‌توان گفت با توجه به نقش سریع و گستردگی آنها در انتشار اخبار و اطلاعات، عامل انقلاب در عصر مدرن به شمار می‌آیند و خبر در سطحی وسیع در یک کشور و جهان گسترش می‌یابد. فناوری‌های رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری مهم برای عمل جمعی و تغییرهای اجتماعی دیده می‌شوند. فیس بوک و اینترنت، گزینه‌هایی برای عمل گروه‌های نو و نیروهای سیاسی در حال پیدایش جامعه مدنی هستند؛ همان

طوره در مصر هم این اتفاق افتاد. درواقع زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نارضایتی برای مردم فراهم شده بود.

انقلاب تونس نیز اثر سرایتی داشت و نقش رسانه‌ها در این انتقال بسیار با اهمیت بود. رسانه‌ها به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی آن از جمله فیس‌بوک، تویتر و یوتیوب سبب تحرک و گستردگی بیشتر تظاهرات شدند که در نهایت به سقوط رژیم مبارک انجامید و به طور کلی، شبکه‌های رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک، تویتر، یوتیوب و وبلاگ‌ها به عنوان ابزاری برای تسهیل جنبش اجتماعی، سازماندهی و ایجاد آگاهی و بسیج سیاسی مورد استفاده قرار گرفتند.



منابع :

- باتامور، تام، (۱۳۷۲)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه: منوچهر صبوری کاشانی، تهران: کیهان.

- جمیز دارنلی، و جان فدر، (۱۳۸۶)، **جهان شبکه‌ها**، ترجمه: نسرين امين دهقان و مهدی محامی، تهران: نشر چاپار.

- حسینی گلی، سید اسماعیل، (۱۳۸۵)، **اصلاحات در مصر**، در کتاب خاورمیانه تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگ مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر.

- سردارنیا، خلیل ا...، (۱۳۹۰)، **تحلیل ساختاری و کنش‌گرا بر چرایی تثبیت اقتدارگرایی در مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱**.

- صبوری کاشانی، منوچهر، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران: کیهان.

- نسرين امين دهقان و مهدی محامی، **جهان شبکه‌ای**، تهران: نشر چاپار.

مقالات

- سردارنیا، خلیل ا...، زمستان (۱۳۸۸)، اینترنت، جنبش اجتماعی و بسیج اعتراضات، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی سال شانزدهم، شماره ۴.

- فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، تابستان، شماره ۲.

سایت‌ها

- www.freedomhouse.org